زیر آسمان فیروزه‌ای

دعوت کمیسیون ملی یونسکو از اهالی موسیقی به احترام سپیدجامگان

فراخوان تیمارگران عشق منتشر شد

● کمیسیون ملی یونسکو از اهالی موسیقی و نوازندگان دعوت می‌کند با نواختن موسیقی و هنرنمایی، به کادر درمانی و پزشکی که در ایام شیوع کرونا فداکاری‌های بسیار کردند، در قالب جشنواره مجازی «به احترام سپیدجامگان: تیمارگران عشق» ادای احترام کنند.به گزارش روابط‌عمومی کمیسیون ملی یونسکو-ایران، اهالی موسیقی، گروه‌های نوازندگی و هنرمندان متقاضی برای حضور در جشنواره مجازی «به احترام سپیدجامگان: تیمارگران عشق» می‌توانند با ثبت تصاویر نوازندگی خود و ارسال آن برای کمیسیون ملی یونسکو- ایران، به سربازان سلامت، تیمارگران عشق که با نیایش و ساز و آواز به جنگ با ناامیدی و غم شتافتند، ادای احترام کرده و از آنان این‌گونه تقدیر کنند.

نحوه شرکت در جشنواره

۱. هریک از اعضای گروه‌های موسیقایی باید تصویر نوازندگی خود را در قالب یک فایل ویدئویی افقی به ایمیل کمیسیون ملی یونسکو یا به یکی از پیام‌رسان‌ها به شماره ۰۹۱۰۵۰۳۶۱۴۹ ارسال کنند.

۲. باید دقیقا مشخص باشد تک‌نوازی‌های ارسالی متعلق به کدام گروه موسیقی و کدام موسیقی است؛ به‌نحوی‌که صدای موسیقی اصلی در تصویر کاملا واضح و مشخص باشد.

۳. هر گروه باید فایل صوتی موسیقی مدنظر را در کنار تصاویر ارسالی هریک از نوازندگان (حداکثر هشت تصویر) به ایمیل یا شماره‌ای که به آن اشاره شد، ارسال کند.

۴. مدت زمان این ویدئوها باید حداکثر پنج دقیقه باشد.

۵. سرپرست گروه نوازندگی در ابتدای ویدئوی ضبط‌شده می‌تواند پیام تقدیر خود از کادر درمانی و پزشکی را بیان کند.

۶. در ابتدای هر ویدئو، نوازنده می‌بایست خود را معرفی کرده و نام ساز خود را ذکر کند.

۷. ویدئو مربوط به خواننده گروه باید به هر دو صورت افقی و عمودی در قالب دو تصویر جداگانه ارسال شود.

۸. تصاویر ضبط‌شده حتما باید در منزل و نه در فضای باز و... باشد.

۹. چنانچه گروه موسیقی یا هنرمندان برای حضور در این جشنواره، متقاضی شرکت در بخش رقابتی هستند، می‌بایست این مهم را در قالب درخواستی کتبی در کنار ارسال ویدئو اعلام کنند.

۱۰. کمیسیون ملی یونسکو در نهایت با داوری استادان موسیقی، به گروه‌های ارسال‌کننده موسیقی جوایزی را اهدا خواهد کرد.

۱۱. ویدئوهای ارسالی پس از بررسی در فضای مجازی و در اینستاگرام کمیسیون ملی یونسکو- ایران به نشانی unesco_ir_natcom@ منتشر خواهند شد.

۱۲. همچنین ویدئویی که بیشترین استقبال را در میان مخاطبان مجازی در صفحه اینستاگرامی کمیسیون ملی یونسکو- ایران داشته باشد نیز مورد تقدیر قرار خواهد گرفت.

علاقه‌مندان می‌توانند پرسش‌های احتمالی خود را در پیام‌رسان به شماره ۰۹۱۰۵۰۳۶۱۴۹ ارسال کنند. لازم به ذکر است که مهلت ارسال آثار تا اول خرداد سال جاری است.

احتمال بازگشایی گالری‌ها

● مدیر کل دفتر هنرهای تجسمی اعلام کرد با توجه به شرایط موجود کشور برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا، مراسم اختتامیه دوازدهمین جشنواره تجسمی فجر که پیش‌تر به همین علت به تعویق افتاده بود، دیگر برگزار نمی‌شود. هادی مظفری در گفت‌وگو با ایسنا درباره سرنوشت مراسم اختتامیه دوازدهمین جشنواره تجسمی فجر، اظهار کرد: پیش‌بینی ما این بود که تا پایان خرداد شرایط به حالتی برگردد که بتوانیم مراسم اختتامیه جشنواره تجسمی فجر را برگزار کنیم، اما با توجه به وضعیتی که درحال‌حاضر در آن قرار داریم و به نظر می‌رسد همچنان برگزاری تجمعات فعالیت‌های فرهنگی و هنری مورد تأیید وزارت بهداشت نیست، در نتیجه برگزاری مراسم اختتامیه جشنواره تجسمی فجر نیز به مصلحت نیست. مدیر کل دفتر هنرهای تجسمی خاطرنشان کرد: سعی می‌کنیم در اسرع وقت نتایج جشنواره تجسمی فجر دوازدهم را منتشر و از برگزاری مراسم اختتامیه خودداری کنیم. جوایز و هدایا و مبالغی که برای خرید آثار از سوی دفتر تجسمی در نظر گرفته شده بود نیز به حساب هنرمندان واریز می‌شود.

برگزاری چند رویداد ملی برای جبران خسارت‌ها

مظفری همچنین درباره وضعیت برگزاری نمایشگاه‌های هنری در این روزهای کرونایی، اظهار کرد: با توجه به مجوزی که وزارت بهداشت و درمان صادر کرد، از تاریخ اول اردیبهشت به شرط آنکه گالری‌ها در سامانه وزارت بهداشت و درمان ثبت‌نام و از برگزاری تجمعات گسترده خودداری کنند، امکان برگزاری نمایشگاه‌های هنری وجود دارد. درحال‌حاضر نیز تعدادی از گالری‌ها به‌صورت حقیقی و تعدادی هم به‌صورت مجازی آثارشان را در معرض نمایش و فروش قرار داده‌اند.

تأملات وجودی در وقفه کرونایی

بهار ناجی*

درباره تأثیرات اجتماعی کرونا بر اقشار مختلف از جمله اهالی فرهنگ و هنر، صحبت‌های بسیاری شده است. از آسیب‌های اقتصادی و پیش‌بینی‌های سیاسی گرفته تا مخاطرات روان‌شناختی و نقایص نظام‌های درمانی در کشورهای گوناگون، بحث‌های دامنه‌داری طرح شده است. همچنین اندیشمندان مطرح جهانی درباره نقش دولت‌ها، مسئولیت رسانه‌ها، سازمان جهانی بهداشت و ضرورت شکل‌گیری سازوکارهای نوین برای مقابله با اپیدمی‌های آینده نکات قابل توجهی را بیان کرده‌اند. در این مورد می‌توان به مقالات و مصاحبه‌هایی اشاره کرد که از هابرماس، ژیژک، آگامبن، بدیو و دیگران منتشر و اغلب نیز به فارسی برگردانده شده‌اند. بازگویی این تأملات با وجود ارزش نظرورزانه‌شان، کسالت‌آور و بیهوده می‌نماید، خصوصا حالا که خود مطالب با چند کلیک و جست‌وجوی اینترنتی در دسترس علاقه‌مندان است. به همین خاطر در این یادداشت سعی کرده‌ام تا حد ممکن بر نکاتی توقف کنم که توجه چندانی را برنینگیخته‌اند یا دست‌کم از دریچه‌ای دیگر به مضامین مکررشده این دوران نگاهی بیندازم.

چرا قرنطینه سخت می‌گذرد؟

شاید در نگاه اول چنین سؤالی ابلهانه به نظر برسد. بسیاری از ما قرنطینه خانگی را همچون محرومیت از ارتباطات واقعی اجتماعی، توقف کار و تغییر در روال زندگی روزمره می‌فهمیم. این تغییر، زمینه‌ای کشدار و تهی فراهم کرده که تا اطلاع ثانوی قرار نیست با مسافرت، دورهمی‌های دوستانه و عکس‌های رنگارنگ اشباع شود. پس طبیعی است که قرنطینه به نوعی احساس ازدست‌دادن و گمشدگی فردی دامن زده باشد. روان‌شناسان و روان‌پزشکان توصیه‌های تخصصی‌شان را به گوش همه رسانده‌اند: داشتن روتین روزانه و پایبندی به آن، تجربه‌های جدید و تلاش برای یادگیری، حفظ ارتباطات مجازی با دوستان و خانواده و از این دست تکنیک‌ها که در جای خود می‌توانند مفید هم باشند. اما اجازه دهید از منظری فلسفی-جامعه‌شناختی‌تر با موضوع مواجه شویم: چرا «درخانه‌ماندن» برای انسان چنین سخت و طاقت‌فرسا شده است؟ این حجم از افسردگی و اضطراب واقعا طبیعی است؟! مسلما در اینجا درباره افسردگی کسانی که عزیزانشان را بر اثر کرونا از دست داده‌اند یا اضطراب آنها که شرایط کرونایی تأمین حداقل معاش خود و خانواده‌شان را به خطر انداخته صحبت نمی‌کنم، بلکه اشاره‌ام به وضعیتی عمومی در ساحت غیرانضمامی آن است. می‌دانیم که از دیدگاه بسیاری از فلاسفه ریشه انواع اضطراب‌ها و کسالت‌ها به نسبت آدمی با مرگ بازمی‌گردد. برای نمونه هایدگر، بخش اعظم تقلاهای بشر را در قالب «طفره» از مواجهه ناگزیر و فردی با مرگ شناسایی می‌کند. در این دیدگاه تن‌سپاری به الگوهای جاافتاده، یکی‌شدن با سایه تکنولوژی، جایگزین‌سازی‌های زبانی برای مرگ، همه و همه قسمی فراموشی شکننده واقعیتِ فناپذیری به شمار می‌روند. با ساده‌سازی بسیار می‌توان گفت که بیشتر کارهایی که امروزه با آن مشغولیم، حکم مُسکن و گریزگاه‌هایی را دارند که از مواجهه راستین‌مان با مرگ جلوگیری می‌کنند. به این ترتیب ما با انبوهه‌ای از اضطراب‌های معوقه دست به گریبانیم که مدام از گوشه و کنار تاریکی کمانه می‌کنند و به درون زندگی‌هامان سرک می‌کشند.

دیوارنگاری Bansky هنرمند خیابانی در دوره قرنطینه کرونا در خانه‌اش

آیا کرونا به واسطه دستور شبه‌اخلاقی «در خانه بمانید»، انسان را از «طفره پناه» مأنوسش بیرون نکشانده است؟ شاید. خوانندگان این یادداشت بی‌تردید کسانی را می‌شناسند که با وجود نداشتن نیاز مالی و شاغل‌نبودن در بخش‌های حیاتی، حاضر به ترک موقت جایگاه‌های شغلی‌شان نمی‌شدند. کسانی که پس از مقاومت‌های طولانی به قرنطینه رضایت دادند و کسانی که پس از مدتی درخانه‌ماندن چنان ملول شدند که برای بازگشت به کار روزشماری می‌کنند. برای فهم این سطح از بی‌قراری و اضطراب، باید درک کنیم که انسان چطور در وضعیت امروزینش، نه تنها دیگران، بلکه خودش را هم به مثابه منبع مصرف درک می‌کند. در این مقام مهم نیست که فرد در بخش تولید است یا خدمات، با ماشین‌آلات سروکار دارد یا با هنرآموزان تئاتر، در زمره بهره‌کشان است یا خود به نوعی مورد استثمار قرار گرفته، آنچه برای تحلیل ما تعیین‌کننده است درک شخص از هستی‌اش به عنوان «منبع صرف انسانی» است. از خصایص ناگزیر منابع انسانی کارآمد و مطمئن، فروکاسته‌شدن‌شان به «ابژه‌های کنشگری تولید» است که «اعتیاد به کار» و «خودآگاهی جهت‌یافته از بیرون» را به همراه می‌آورد. حال به نظر می‌رسد که کرونا در سطحی بنیادین این روند را با «وقفه» مواجه کرده است. شرایط پیش‌آمده و اجبار به ماندن در خانه، عده بیشتری را از آن دستاویزهای جعلی‌ای محروم کرده که برای نادیده‌انگاری مرگ و اضطراب‌های وجودی مرتبطش به کار می‌بردند. به عبارت دیگر، توقف در پروسه طفره، امنیت هستی‌شناسانه کاذب را مخدوش کرده است.

وقفه کرونایی با هنرمندان چه می‌کند؟

شاید جملگی آدمیان در پیشگاه مرگ برابر باشند، اما در پیشباز مرگ نه؛ تأثیری که کرونا بر زندگی گروه‌های اجتماعی مختلف گذاشته، تفاوت‌های انکارناشدنی و سترگی دارد. بلاتکلیفی بخشی از مهاجران، وضعیت اسف‌بار کارگران روزمزد یا کارگران صنایعی که از کرونا آسیب دیده‌اند، تورم و نگرانی‌های عدیده لایه‌های مختلف طبقه متوسط، فشار کاری گروه‌های درمان و... مسائلی است که بحث‌های دقیق و چندجانبه را طلب می‌کند. در این میان اما آفرینندگان آثار هنری چه وضعیتی دارند؟ اگر از مثنوی پرآب چشم بیمه هنرمندان صرف‌نظر کرده و نقدا تمایزات طبقاتی اهالی هنر را نیز اِپوخه کنیم (یعنی برای مقصدی تحلیلی، عجالتا آن بازیگر تئاتر شهرستانی بی‌کارشده را با کارگردان مرکزنشینی که درآمد میلیونی از کلاس‌های آنلاینش ادامه یافته، یکسان فرض کنیم)، فصل مشترک مواجهه آنها با شرایط کرونایی چه خواهد بود؟ منطقا به نظر می‌آید که شرایط «نامعمول» یا «خارق‌العاده» برای هنرمندان از حیث وجودی پذیرفتنی‌تر باشد. چه اینکه آنها در این وضع، فرصتی می‌یابند تا جهان، اشیا، دیگران و خودشان را به گونه‌ای غیرکارکردی و اصیل دریابند. وقفه یا خروج از وضعیت عادی‌سازی‌شده، می‌تواند مجالی باشد برای آشکارگی هستی. اگر بپذیریم که به این معنا هنر خودش نوعی تعطیلات است، آه و ناله‌های هنرمندان از بی‌کاری را چطور باید تفسیر کنیم؟ یک برداشت این خواهد بود که پیش‌تر نیز عموما با دلالی و هنری یکسره غیرهنری سروکار داشته‌ایم. در اینجا باید خاطرنشان کنم که درباره همه آثار حرف نمی‌زنم و تلاش‌های حقیقی افراد پراکنده را ناچیز جلوه نمی‌دهم، صرفا از جریان غالب یا قاعده جاری در این حیطه سخن می‌گویم. درواقع هنر زیر سایه سرمایه‌داری است که بدل شده به سازوکاری برای گذران فراغت، رفع استرس، پول‌سازی و پول‌شویی و نهایتا آماده‌کردن افراد برای ورود مجدد به چرخه تولید و مصرف. چنین هنری را یارای آن نیست که آفرینندگانش را از بند متافیزیک-در معنای هایدگری- برهاند و مسلما برای مخاطبان هم جز ازخودبیگانگی بیشتر تحفه‌ای نمی‌آورد. شاید به همین دلیل است که این روزها با سنگین‌شدن سایه کرونا و عریانی متافیزیک جهانی که در آن زیست می‌کنیم، بسیاری در جست‌وجوی تسکین و التیام، به متافیزیک‌های نخ‌نمای دیگر التجا می‌برند. قصه‌هایی که درباره «کارما»، انواع «انرژی‌ها»، مناسبات اجرام کیهانی و اثر سعد و نحس فلان ستاره بر طالع بشر سر هم شده و در فضای مجازی دست به دست می‌شود، تلاشی خام‌دستانه است برای معنابخشی به واقعیت. این جریان خروشان که جز کف، هیچ در آن نهفته نیست، در غیاب هنر و اندیشه‌ورزی راستین ممکن شده است.

کرونا ما را مسئول‌تر یا اخلاقی‌تر خواهد کرد؟

تا پیش از آنکه ویروس کووید ۱۹ زمین را به جولانگاه خودش تبدیل کند، ناخواسته جهان را مجموعه چیزهایی می‌پنداشتیم که برای لذت و بهره‌برداری ما وجود دارند. احساسی فرادستانه بشر را دربر گرفته بود. ما، حتی فروتن‌ترین‌هامان، در برابر اشیا و طبیعت حسی از سلطه و استیلا داشتیم. میله‌های مترو و اتوبوس را می‌فشردیم، به یکدیگر تنه می‌زدیم و خریدهای کوچک و بزرگمان را بی‌قیدانه لمس می‌کردیم. حالا هر تماسی آبستن بیماری و مرگ است. مراتب شست‌وشو و ضدعفونی‌کردن اجسام، به آنها هویتی مستقل‌تر بخشیده. چیزها، نسبت به ما بیرونی شده‌اند. به عبارت بهتر، هستی نا-همان خود را بازپس گرفته‌اند. این را می‌توان تلنگری دانست برای کاهش «خودانگیختگی سوژه مدرن». به علاوه آمیختگی جهان با ویروس، غیریتِ آن را برای آدمی مشدد کرده است. ویروس، انگشت اشاره‌اش را مستقیما به سوی بیماری و مرگ گرفته و همان‌طور که از لویناس آموختیم «مواجهه سوژه با مرگ، مواجهه با «غیریتی ریشه‌ای» است [...] غیریت مرگ تعینی موقت نیست که از طریق حظ بتوان آن را جذب کرد، بلکه مرگ اساسا از جنس غیریت است. مرگ ابتکار عمل، فعالیت، قابلیت، فراگرفت و تملک سوژه را فلج می‌کند. در اینجا سوژه با چیزی رابطه دارد که از خود او سرچشمه نمی‌گیرد و به خود او بازنمی‌گردد». حال که زمینه مواجهه با غیر، به صورتی نامنتظر و دردناک ایجاد شده، می‌توان امید داشت که انسان اخلاقی‌تر از گذشته باشد؟ مرادم از اخلاق، نه پایبندی به آموزه‌هایی مدون، بلکه مواجهه اخلاقی - انتقادی با خود و دیگری است. در این معنا کرونا را باید زمینه‌ساز نگریستن به «چهره دیگری» بدانیم. چه بهتر که چهره‌ها در زیر ماسک‌های دست‌دوز یا کارخانه‌ای پوشیده شده باشند. چراکه حقیقی‌ترین نگاه به چهره دیگری زمانی ممکن می‌شود که جزئیات چهره او را ندیده باشیم. نگریستنی که دیگری را با وجود رابطه تنگاتنگش با مرگ، مقدم بر سوژگی خود ما بنشاند. از این رو چهره‌های پوشانده‌شده با ماسک، تجسم تمام‌عیاری از غیریت‌اند که چنانچه به‌راستی در بیم و امیدشان نگریسته باشیم، مسیر انضمامی اخلاق و مسئولیت‌پذیری را آغاز کرده‌ایم.

نبرد با دهشت اپیدمی، رهاوردهای عملی

تصمیم‌گیری درباره اینکه پاندمی کرونا بیشتر اتحادها را قوام بخشیده یا به اختلافات بین‌المللی دامن زده، کار پیچیده‌ای است. برخی از صاحب‌نظران بر درک فزاینده مردم از تعلقشان به یکدیگر و هم‌بسته‌بودن سرنوشت جوامع تأکید می‌کنند، برخی نیز درباره اظهارات ناسیونالیستی سیاستمداران یا چیرگی انواعی از بیگانه‌هراسی فرهنگی هشدار می‌دهند. عده‌ای نگران افزایش قدرت نظارتی - انضباطی دولت‌ها با ادامه‌یافتن شرایط اضطراری در سطح جهان‌اند، در حالی که به گمان گروهی دیگر، کرونا از ضرورت شکل‌گیری صورت‌های نوین اداره اشتراکی پرده برداشته که باید بر فراز قدرت دولت-ملت‌ها قرار بگیرد. پرداختن به این مناقشات فرصت و زمینه‌ای مبسوط می‌طلبد اما جا دارد که در پایان این یادداشت، تنها اشاره‌ای داشته باشم به تلاش‌های عینی، عملی و اغلب خودجوش که در مناطق مختلف دنیا به پس‌راندن ویروس یا کاهش تلفات ناشی از آن منجر شده است. این راهکارها از آن جهت حائز اهمیت است که مقولات نظری پیش‌گفته را به سطحی انضمامی متصل می‌کند یا مسیری می‌گشاید برای ساکن‌نشدن در مجادلات بی‌انتهای انتزاعی؛ می‌دانیم که آلمان و کره‌جنوبی از جهات مختلف برای مدیریت بحران ستایش شده‌اند. یکی از نکات قابل توجه در آلمان، راه‌اندازی سایت‌های اینترنتی است که امکانی فراهم کرده برای داوطلب‌شدن افراد در هر محله، به منظور کمک‌رسانی به سالمندان یا تهیه مایحتاج روزمره کسانی که از بیماری‌های زمینه‌ای رنج می‌برند. به این ترتیب احتمال ابتلای این اشخاص به کرونا کاهش یافته و تبعا از فشار بر سیستم درمانی کاسته می‌شود. همچنین شبکه‌های شغلی در کنار رسانه‌های اجتماعی، بخشی از مسئولیت آگاهی‌رسانی را بر عهده گرفته‌اند. در نمونه‌ای دیگر بخش‌هایی از شمال و شرق سوریه که با شیوه‌های خودمدیریتی اداره می‌شوند، مسئولیت آموزش و پیشگیری از کرونا را به زنانی در هر روستا محول کرده و به نظر می‌رسد که با شیوه‌های خودسازمان‌یابی و ایجاد شبکه‌های محلاتی از پایین تجربه موفقی در مهار ویروس داشته‌اند. اگر زیستن را هنوز در میانه اخبار ناگوار معنایی باشد، تلاش‌هایی از این دست نیز، هم‌سنگ هنر و خیرگی در چهره دیگری، گرمابخش آن خواهد بود.

***دانشجوی دکترای جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبایی**

چالشی جدی برای هیئت‌مدیره فعلی خانه تئاتر

مجید گیاه‌چی

در جهان متمدن امروز، در اهمیت و ضرورت شکل‌گیری، تقویت و گسترش نهادها و تشکل‌ها و فعالیت‌های صنفی و مدنی، به دلایل فراوان که موضوع این نوشته نیست، کمترین تردیدی وجود ندارد.

یکی از شاخص‌های اصلی و مهم تشخیص سلامت، روزآمدی و مردمی‌بودن دولت و حاکمیت سیاسی، کمیت و کیفیت تشکل‌ها و نهادهای مردمی و صنفی و قدرت آنها در به‌چالش‌کشیدن قدرت مرکزی و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است.

حتی در جوامع درحال‌توسعه یا جوامعی که مانند ایران سنت در آنها ریشه‌های عمیقی دارد و یک مخالفت درازمدت و تردید و بدبینی تاریخی نسبت به نهادهای مدنی و صنفی نزد صاحبان قدرت وجود دارد، با وجود تمام مقاومت‌ها و کارشکنی‌ها، به نظر می‌رسد از پذیرفتن این نهادها گریزی نیست و به‌تأخیرانداختن پذیرش و مشروعیت‌دادن به این نهادها، جز تعمیق و افزایش هزینه‌ها و صدمات اجتماعی، در نهایت نتیجه‌ای دربر ندارد.

همچنان که مقاومت‌ها در برابر دیگر پدیده‌های نوظهور و پذیرفته‌شده جهانی، آن‌هم در عصر ارتباطات، با صرف هزینه‌های بی‌نتیجه و بدون ثمر فراوان، عاقبتی جز تسلیم و پذیرش نداشته و نخواهد داشت و عاقلانه‌تر و کم‌هزینه‌تر است که به‌جای پذیرش تحمیلی و توأم با سختی، نارضایتی و اجباری امور در وضعیت‌هایی نامناسب، روش‌هایی به‌موقع، معقولانه‌تر و مناسب‌تر برای بومی‌کردن این‌گونه درهم‌آمیختگی‌ها، همزیستی‌ها و ادغام‌های اجتماعی گریزناپذیر، در تناسب با بنیان‌های فرهنگی‌مان بیابیم.

بروز بحران‌های ملی یا جهانی مانند کرونا، حتی بیش از پیش اهمیت و ضرورت وجود و نقش تشکل‌های صنفی و مدنی را یادآور می‌شود؛ آنجا که قدرت‌ها بر اثر گستردگی بحران، توان اعمال مدیریت مستقیم بر تمام بخش‌های متأثر از بحران‌های فراگیر را ندارند و این نوع نهادها می‌توانند یاری‌گر و همراه قدرت در کنترل مناسب‌تر تأثیرات هر بحران باشند. از سوی دیگر، این نوع بحران‌ها، به ذی‌نفعان هر صنف و جامعه کوچک مدنی هم به شکلی مؤکد یادآوری می‌کنند که برای پیگیری حقوق و توقعات‌شان، هیچ راه و چاره‌ای جز تشکل‌یابی صنفی و مدنی برای داشتن صدایی قدرتمندتر که تازه آن هم تنها شاید به گوش و نتیجه‌ای برسد، وجود ندارد.در حوزه تئاتر، تلاش‌های متعددی برای تشکل‌یابی هنرمندان تئاتر انجام شده که عموما عقیم و متوقف مانده است و شاید با وجود تمام انتقادهای بجای موجود، تنها نهاد شبه‌صنفی اندکی ریشه‌دار و حداقل به شکل نسبی مؤثر، تشکل خانه تئاتر است.بروز بحرانی مانند کرونا که تأثیری عمیق و شدید بر تئاتر گذاشته و ممکن است به شکلی بسیار خطرناک، بر بقا و چگونگی استمرار، ارائه و عرضه این هنر اثر بگذارد، اهمیتی مضاعف به نحوه و چگونگی فعالیت و عملکرد این نهاد داده است؛ اما این اهمیت هم‌زمان با موقعیتی شده که این نهاد با موضوع و چالش تازه‌ای روبه‌روست که موضوع اصلی این نوشته است.مطابق ماده ۲۱ اساسنامه خانه تئاتر، مدت زمان قانونی فعالیت هر هیئت‌مدیره «دو سال» تعیین شده است که در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۹۹ به پایان می‌رسد.بر مبنای آخرین آیین‌نامه مصوب انتخابات خانه تئاتر، لازم است «۳۰ روز پیش از پایان مدت دو سال از برگزاری آخرین انتخابات»، دعوت به انتخابات انجام شود (یعنی در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۹)؛ درحالی‌که این تاریخ به پایان رسیده و هنوز حتی مقدمات برگزاری انتخابات فراهم نشده و به‌طورکلی به نظر نمی‌رسد از سوی هیئت‌مدیره فعلی، توجه و دغدغه‌ای دراین‌باره احساس شده و وجود داشته باشد.حتی پیش از انتخابات سال ۱۳۹۷، موضوع آیین‌نامه انتخابات و نحوه برگزاری آن، محل انتقاد و طرح پرسش‌ها و بحث‌های فراوان بود؛ تاجایی‌که منجر به جمع‌آوری طوماری از سوی هنرمندان تئاتر شد که هم منجر به عقب‌نشینی هیئت‌مدیره وقت شد و هم منجر به آنکه تقریبا همه کاندیداها و ازجمله کسانی که به هیئت‌مدیره مرکزی راه یافتند، وعده تغییر و اصلاح آیین‌نامه انتخابات را بدهند؛ اتفاقی که با گذشت مدت درخور توجه دو سال، کوچک‌ترین سرانجامی نیافت و هیچ خبر تازه‌ای از تغییر در آیین‌نامه اطلاع‌رسانی نشد. بنابراین بدون شک گام نخست در برگزاری انتخابات سالم و دور از اعتراض‌هایی که منطقی هم به نظر می‌رسند، آن است که این خانه هر اصلاح لازمی به‌منظور شفاف‌سازی و اعتمادسازی لازم را به‌سرعت و فوریت انجام داده و آیین‌نامه مصوب نهایی را در اسرع وقت اطلاع‌رسانی کند.اما مشکل بزرگ دیگر برای برگزاری انتخابات، با توجه به شرایط ویژه فعلی، ممنوعیت برگزاری تجمعات است که به نظر نمی‌رسد حداقل تا پایان بهار و حتی شاید تا پایان سال، این ممنوعیت برطرف نشود.از سوی دیگر، حتی در صورت رفع چنین ممنوعیتی و گذشته از ضرورت توجه به موارد احتیاطی، با توجه به کمیت کنونی اعضا، پیش‌بینی محل مناسب برگزاری انتخابات به شکل سنتی‌اش که رأی‌گیری حضوری در انتهای برگزاری یک جلسه بود، بسیار دشوار و حتی ناممکن به نظر می‌رسد.اطلاع‌رسانی‌های انجام‌شده از سوی خانه تئاتر حاکی از آن است که به‌تازگی در این خانه زیرساخت‌های برگزاری انتخابات به طریق الکترونیکی ایجاد شده است که با پیش‌بینی مواردی که تضمین‌کننده صحت انتخابات باشد و جلب اعتماد اعضا و کاندیداها، به نظر چاره‌ای جز برگزاری انتخابات به صورت الکترونیکی وجود نخواهد داشت.در چنین صورتی، لازم خواهد بود در تنظیم آیین‌نامه این موضوع مرکز توجه قرار داده شود و متناسب با چنین شکلی از برگزاری انتخابات، تمام موارد احتمالی و لازم پیش‌بینی شود.با توجه به شرایط بحرانی پیش‌آمده، علی‌رغم تمام ناامیدی‌ها و نارضایتی‌ها از نقشی که خانه تئاتر تاکنون و در طول تمام این دو دهه (با وجود همه فراز و فرودها و تلاش‌های انجام‌شده) ایفا کرده است، به نظر می‌رسد و امید می‌رود نقش این خانه، تنها در سرنوشت اعضای نسبتا معدود آن یا در گستره‌ای وسیع‌تر تئاتر در تهران، خلاصه و محدود نشود و این امید و احتمال به شکلی بالقوه وجود دارد که این خانه همچنان که در اساسنامه‌اش هم پیش‌بینی شده است، بر سرنوشت کل تئاتر کشور اثرگذار باشد.

با چنین احتمال و چشم‌داشتی است که به موضوع انتخابات خانه تئاتر توجه شده و امید می‌رود هیئت‌مدیره فعلی این خانه بتواند وظایف خود را به‌درستی به انجام رسانده و ترتیبات برگزاری انتخاباتی سالم و مناسب را فراهم آورد تا نمایندگانی شایسته و برخوردار از پشتوانه رأی اکثریت هنرمندان تئاتر، بتوانند نه‌تنها اعضا یا هنرمندان تئاتر فعال در تهران، بلکه تمامی جامعه تئاتر ایران را در این شرایط خطیر و بی‌سابقه نمایندگی کرده و حقوق و توقعات آنان را تا حصول نتایج لازم پیگیری کنند.

زیر درختان زیتون

تجربه افشین هاشمی از اجرای تئاتر آنلاین

● افشین هاشمی که به تازگی در اجرای آنلاین نمایش «آقای شادی» به ایفای نقش پرداخته است، دوران کرونایی را فرصتی مناسب برای آزمون‌وخطای اشکالِ تازه اجرای بی‌صحنه دانست.

این بازیگر و کارگردان در گفت‌وگو با ایسنا ادامه داد: تجربه بازی در این نمایش و اجرای آنلاین، کمی شبیه حضور مجری در برنامه‌های زنده تلویزیونی است؛ شما تماشاگری نمی‌بینید، ولی می‌دانید که آنها مشغول دیدن شما هستند.

او اضافه کرد: به همین دلیل پیشنهادِ آرین رضایی، کارگردان نمایش، را پذیرفتم که نمایش‌نامه انتخابی‌اش، در ذات خود با چنین وضعیتی بسیار هم‌خوان بود.

هاشمی با اشاره به ویژگی نمایش‌نامه «آقای شادی» افزود: در این اجرا، از طریق پیامک با تماشاگران در ارتباط بودیم و این‌گونه نبود که مخاطب حضور نداشته باشد.

او در پاسخ این پرسش که آیا شیوه اجرای آنلاین تئاتر می‌تواند جایگزینی برای اجرای زنده تئاتر در دوران کرونا باشد، گفت: در این مرحله اینها می‌توانند تجربه‌هایی مقطعی باشند، هم‌خوان با امکانات و شرایط موجود که انتخاب نمایش‌نامه‌اش هم به نظرم باید یکی از مؤلفه‌های مهم باشد. پس از چند تجربه البته می‌توان به ایده‌های دیگری هم رسید که شاید قدری منفک‌تر از این‌گونه نمایش‌نامه‌های هم‌خوان با شکل اجرائی باشد. اما اگر این وضعیت ادامه یابد، شاید شکل‌وشمایل دیگری پیدا کند، شبیه آنچه در آغاز دهه ۴۰ در تلویزیون رایج بوده است؛ به این معنا که اجرای زنده نمایش‌ها، هم‌زمان فیلم‌برداری و پخش شود.

او در ادامه بیان کرد: اگر این شیوه را انتخاب نکنیم، شاید به سمت تله‌تئاتر برویم که در دهه ۶۰ مرسوم بوده، اما از آنجا که نمی‌دانیم چنین شرایطی تا چه زمانی ادامه خواهد داشت، دوران کرونا فرصت خوبی برای آزمون‌وخطاهای این‌چنینی است که شاید به‌عنوان یک شکل تازه اجرا مورد استفاده قرار بگیرد.

این نمایش‌نامه‌نویس خاطرنشان کرد: مقصودم از این سخن این است که اجرای آنلاین به‌عنوان یک امکان تازه اجرائی مورد مطالعه قرار بگیرد که ربطی به کرونا نداشته باشد و به امکانی تازه و مستقل بدل شود. در این لحظه اما تعطیلیِ جریانِ اصلیِ تئاتر به دلیل کرونا، فرصت آزمون‌وخطای چنین ایده‌هایی را برای ما فراهم می‌کند. اگر این ایده‌ها جواب داد، می‌تواند در دوران پس از کرونا هم به حیات خود ادامه دهد و اصلا ممکن است نمایش‌نامه‌هایی بنویسیم برای اجرای آنلاین یا اینکه اجرای هم‌زمانِ بازیگری در نقطه‌ای دیگر از کره خاکی از مؤلفه‌های اصلی آن اجرا باشد.

او در پاسخ به پرسشی دیگر مبنی‌بر اینکه تمایل دارد بار دیگر در اجرای آنلاین تئاتر به ایفای نقش بپردازد، گفت: باید اول بازخورد این اجرا را ببینیم و در مرحله بعد ببینیم چه متنی می‌توانیم پیدا کنیم. دوست دارم کاری که انتخاب می‌کنم، مناسب فضای آنلاین باشد. البته نمایش‌نامه‌هایی وجود دارند مانند «کوارنت»، اثر امیررضا کوهستانی (سال‌ها پیش در تالار مولوی اجرا شد) که اساسا به دلیل تمرکزی که بر تصویر ثابت، اما هم‌زمانی در دیدن چند تصویر با هم دارند، در این فضا به خوبی قابل اجراست. چنین نمایش‌نامه‌هایی می‌تواند در این شرایط کاربرد داشته باشد.

نمایش «آقای شادی»، به نویسندگی دیوید ممت و کارگردانی آرین رضایی و بازی افشین هاشمی شامگاه پنجشنبه و جمعه، ۱۱ و ۱۲ اردیبهشت، به صورت آنلاین و برای حمایت از پویش یادا (یارانِ درمانگرانِ ایران) اجرا شد.

افشین هاشمی اسفند سال گذشته مشغول بازی در نمایش «روزهای رادیو»، نوشته و کار محمد رحمانیان بود که به دلیل شیوع کرونا اجرای آن پس از دو شب متوقف شد. او که علاوه‌بر بازیگری، نویسندگی و کارگردانی، دستی هم در موسیقی دارد و کمانچه می‌نوازد، مدتی بعد از تعطیلی تئاترها، در صفحه شخصی خود دوره‌های آموزشی آشنایی با موسیقی ایرانی را برای مخاطبان غیرتخصصی تدارک دید و در دوران کرونایی کوشید سهمی در سرگرمی و نیز آموزش مردم داشته باشد.